

واقعیت‌های سیاسی تحقیق در علوم اجتماعی با تمرکز بر کتاب استعمارزدایی از روش

پروین قاسمی*

چکیده

کتاب *استعمارزدایی از روش* در زمره متون ضداستعماری با جهتگیری‌هایی نسبت به انسان‌شناسی، تحقیق و علم به قلم تحریر درآمده است؛ از انسان‌شناسی تا تحقیق و علم تا زمانی که در بطن و گستره حضور استعمار واقع شده بود، از منظر نویسنده کتاب نکوهش شده‌اند. شواهدی از تحقیقات غیرانسانی استعمارگران بریتانیایی در نیوزیلند روی مائوری-ها در کتاب ارائه شده است. این کتاب نشان می‌دهد بنا به مبارزات متعددی که اهالی قبیله مائوری با استعمارگران، امروزه معنای و کاربرد تحقیق متفاوت از گذشته شده است و آنها با آغوش باز به استقبال تحقیق می‌روند.

بنا به این شواهد، آنچه می‌توان در مورد این کتاب و در پاسخ به آن خاطر نشان کرد این است که متهم اصلی "تحقیق" نیست بلکه کشورگشایی‌ها و جاه‌طلبی‌های اقتصادی و سیاسی کشورهای استعمارگر است که نام تحقیق و انسان‌شناسی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. همواره مائوری‌ها به طور خاص و پلینزی‌ها به صورت کلی از منظر انسان‌شناسان معرفی و شناسانده می‌شوند این در حالی است که در این اثر این موضوع وارونه شده است و این زنی از مائوری‌ها است که می‌نویسد و ثبت می‌کند و نظر و تحلیل خود را در مورد گذشته و انسان‌شناسی بیان می‌کند. اما در این میان آنچه که می‌توان در تکمیل آثار اینگونه عنوان کرد نگاه به غرب و یا استعمار در راستای شناخت آن از منظر مائوری است. این مهم در آثار ضداستعماری کمتر مدنظر قرار می‌گیرد. بسندگی به نوشتن مائوری‌ها از خودشان و زخم‌هایشان در بهبود اوضاع دخیل خواهد بود اما به هر

* دکترای انسان‌شناسی، دانشگاه تهران، parvingh90@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۴

روی ما را بی‌نیاز از شناخت غرب و استعمار از منظر دقیق و توجه به لایه‌های ذهنی نمی‌کند.

کلیدواژه‌ها: مائوری، انسان‌شناسی، تحقیق، بومی، استعمار فرافرانو، روش‌شناسی، روش، تحقیق. غرب‌شناسی، شرق‌شناسی.

۱. مقدمه

لیندا توهیوای اسمیت (Linda Tuhiwai Smit) متعلق به قبیله مائوری^۱ بود. پدر لیندا، هیرینی موکو مید (Hirini Moko Mead) از رهبران مائوری و انسان‌شناس بود (ویکی پدیا) به دلیل شغل پدر و همکاری لیندا با وی از سنین کودکی در موزه ماساچوست (نک. مقدمه) با مبانی و مفاهیم انسان‌شناسی و مبارزات علیه استعمار برای احقاق حقوق مائوری‌ها آشنا شد. پایه‌های این آشنایی و این تعلق قومی شد توجه از نوع غیرغربی و بازاندیشانه به دو مفهوم «بومی» و «تحقیق» (۲۰۱۲) را ممکن ساخت. مبانی نظری و ادبیات این کتاب بر دو دسته قابل تقسیم است مبانی نقد استعمار و مدرنیته و غرب‌گرایی از ادوارد سعید (Edward Said) گرفته تا ابراهیم فرانتس فانون (Ibrahim Frantz Fanon) و به ندرت فوکو (Foucault) و گاتایری اسپیواک (Gayatri Spivak) ادامه دارد و در دسته دوم ادبیات متعلق به جهانگردان و ماموران در گروه استعمارگران شامل جوزف بنکس (Joseph Banks)، السدون بست (Elsdon Best)، پرسی اسمیت (Percy Smith) و دیگران. در کنار این اثر، لیندا همچنین، در کتابی با عنوان *روش‌شناسی‌های بومی و انتقادی* با دو انسان‌شناس به نام‌های دنزین و لینکلن (Denzin, Norman K; Lincoln, Yvonna S) همکاری داشته است. در سال ۲۰۰۵ مقاله‌ای با عنوان طراحی دستورالعمل تحقیق برای معرفت‌شناسی‌ها بومیان و آموزش^۲ در فصلنامه انسان‌شناسی و آموزش منتشر کرده است.

۲. خلاصه‌ای از کتاب

کتاب *استعمارزدایی از روش* با عنوان فرعی در داخل کتاب *تحقیق علمی و مردمان بومی* به قلم لیندا توهیوای اسمیت و با ترجمه احمد نادری و الهام اکبری توسط نشر مترجمان در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است. این کتاب بعد از مقدمه مترجمان و نویسنده کتاب از یازده بخش تقسیم شده است که در دو قسمت عمده قابل تقسیم است.

قسمت اول شامل بیان تاریخی از هجوم استعمارگران به نیوزیلند و استرالیا و تحت انقیاد درآوردن بومی‌ها است. این قسمت با بخش اول «امپریالیسم، تاریخ، نگارش و نظریه» آغاز می‌شود. امپریالیسم به مثابه یک شخص که همچنان زنده است و ریشه آن به کلمب و سفرهای او بازمی‌گردد معرفی می‌شود. در برابر این امپریالیسم که در طول تاریخ رنگ عوض کرده است دانش عینی و غیر عینی مانند نظام‌های اعتقادی بومی‌ها به یغما رفته است. امروزه تلاش برای استقرار رعایت اخلاق در تحقیقات و توافقات بین‌المللی در گردهمایی‌های بومی‌ها از انواع حمایت‌ها در برابر امپریالیسم است. این موارد باعث می‌شود تا بومی‌های تحت ستم امپریالیسم که همواره از منظر تحقیقات استعمارگران انسان‌هایی ناکامل پنداشته شوند انسان بودگی خود را بازیابند و به تبع آن تاریخ خود را بازپس گیرند. تاریخ برای بومی‌ها مهم است و بازپس گرفتن آن یکی از جنبه‌های مهم استعمارزدایی است. لیندا اسمیت در این قسمت به آراء ژانت ابولووود^۳ و سایرین در خصوص ویژگی‌های تاریخ می‌پردازد. آنچه امروزه تحقیق غربی محسوب می‌شود آرشیوی است که از شناخت و نظام‌ها و قوانین و ارزش‌ها به نام غرب، سرچشمه می‌گیرد. آن دیدگاه‌های فرهنگی مربوط به واقعیت، زمان و فضا را در خود جای داده است.

در کنار ذکر مفهوم آرشیو در وجه استعاری، لیندا در بخشی به نام استعمار دانش، ذکر می‌کند که روشنگری به مثابه شکلی از استعمار است. آن به رابطه بین دانش و تحقیق و امپریالیسم بازمی‌گردد. روشنگری توانسته دانش بومی‌ها را اعم از شیوه دانستن آنها را با ایجاد رشته‌های دانشگاهی و آموزش نخبه‌های بومی ساختار بندی کند و از این علم به نفع خود سود ببرد. به عبارتی دانش کسب شده از استعمار بومی‌ها برای استعمار آنها یا همانا استعمار ذهن استفاده می‌شود. در روشنگری بومی‌ها به مثابه موضوعات تحقیقی قلمداد می‌شوند که صدا ندارند همچون گیاهان و جانورانی که مورد مطالعه قرار می‌گیرند. کلیه این موارد ماجراجویی‌های تحقیقی را در سرزمین بومیان موجب شده است. نگارنده کتاب از این منظر به بحث در خصوص روش‌های به رسمت شناختن نظام‌های غیر رسمی گردآوری اطلاعات در بافت استعماری نیوزیلند می‌پردازد. این رسمیت توسط دولت و کشورهای استعماری و تامین بودجه‌های تحقیقاتی آنها انجام می‌شد. جهانگردان، مبلغان مذهبی در راستای توجیحات اخلاقی که در سایه مسیحیت بنیادگرا برای خود ساخته بودند به نیوزیلند می‌آمدند، پدیده‌ها را از زاویه نگاه خود می‌دیدند و به آنها نام‌های خاص فرهنگ خودشان را می‌دادند. کوک (Cook)، آبل تاسمان (Abel Tasman) نمونه‌هایی از این

جهانگردان بودند. اینجا اسمیت به یک حقیقت تلخ و پنهان در خصوص این ماجراجویان اشاره می‌کند و آن نگرش به بومیان در ترکیبی از بهره‌کشی استعماری و رشد وابستگی است. دلسوزی عمیق اروپایی‌ها در برابر مائوریها به عنوان مردمی آرمانی و در عین حال مائوریهای خارج از این ساختار به مثابه خصم اتفاقی بود که در اقدامات آنها و یادداشت‌هایی از استرالیا و نیوزیلند قابل تأمل بود.

قسمت دوم با بخش "پروژه مردمان بومی: تهیه کار دستور کاری جدید" آغازی است بر زمینه پژوهشی و مفهوم پردازی توسعه در راستای سیاست‌های استعمارزدا و به کار گیری آن توسط بومیان در جایگاه محقق. به طور مشخص این بخش جنبش اجتماعی ملت‌های بومی و دستور کار مؤثر بر شیوه‌های پژوهشی می‌پردازد. راه پیمایی زمین در سال ۱۹۷۴، اعتراض‌های روز وایتانگی، بسیج بین‌المللی در قالب انجمن سرخپوستان آمریکای شمالی و جنبش سرخپوستان آمریکا نمونه‌هایی از این جنبش‌ها است. ماحصل این تلاش‌ها تهیه پروتکل‌های اخلاقی فراتر از صرفاً رازداری و رضایت فردی بود. این پروتکل‌ها بر پایه قوانین اخلاقی مؤسسه انسان‌شناسان اجتماعی نیوزیلند با هدف احترام، حمایت از حقوق، علائق و حساسیت‌های مردمی که درباره آنها مطالعه می‌شود تهیه شدند. آنچه اینجا اهمیت دارد گنجاندن بخشی از مباحث فرهنگی مائوری‌ها در اخلاق تحقیق در میدان است که برای محققان تجویز نشده است اما با اصطلاحات فرهنگی برای محققان مائوری در میدان تجویز شده است. آنها عملکردهای کوپاپای مائوری (Kaupapa Maori) (تحقیقات مائوری محور) نامیده می‌شوند.

فرهنگ مائوری در تحقیقات و حتی مفصل بندی دستور کار تحقیقات بومی (بخش هفتم) گنجانده شده است به طوریکه گاهی دیگر یک تحقیق در زیر عنوان مفهوم تحقیق جا نمی‌گیرد. نام‌گذاری تحقیقات با عنوان مائوری کاپاپا، استفاده از مفاهیم غربی مثل تحقیقات گروهی را به حاشیه می‌راند. اسمیت انواع تحقیقات و پروژه‌های بومی در قالب ۲۵ طرح پیشنهادی که برخی از آنها بدین ترتیب است: داستان گوئی، نگارش، رؤیاپردازی برمی‌شمارد. او همچنین در این قسمت به بایدهای نهفته در تحقیقات بومی توسط بومی‌ها با تمرکز بر مطالعه موردی درباره قبیله مائوری ایجاد روش شناسی‌های بومی؛ تحقیق مائوری کوپاپا اشاره می‌کند. بخش پایانی کتاب با تدقیق و مشخص کردن فضاهای حضور جامعه بومی مائوری خاتمه می‌یابد. نویسنده سه فضای متقاعد ساختن مردم مائوری برای حضور در تحقیق، متقاعد کردن جوامع تحقیقاتی مستقل برای جلب مشارکت مائوری‌ها در

تحقیق و در آخر فضای توجه به میراث تحقیقاتی پیشین و قابلیت‌های کنونی تحقیق خصوص تحقیقات مائوری محور مدنظر قرار گرفته است که از نظر فرهنگی بی‌خطر محسوب می‌شود و زیر نظر افراد مسن که در ادبیات مائوری به آنها واناو (Whanau) انجام می‌شود (ص ۲۳۸).

۳. ارزیابی محتوایی

آیا این کتاب، متن و داعیه‌ای علیه انسان‌شناسی است یا در گستره وسیع علوم اجتماعی قرار می‌گیرد؟ وقتی خواندن کتاب را آغاز می‌کنیم با این پیش‌زمینه که یکی از مترجمان، احمد نادری، انسان‌شناس است، تصور و پیش‌زمینه خواندن متن انسان‌شناسی حاصل می‌شود. همچنین روش‌شناسی در انسان‌شناسی معنا و مفهوم بس عمیق و مهم نسبت به سایر رشته‌ها دارد. در مقدمه و قسمت‌های دیگر کتاب (ص ۹۹ و ۱۰۷)، اشاراتی در مورد انسان‌شناسی می‌شود از این دست که پدر او انسان‌شناس است یا تحقیقات انسان‌شناسی بد هستند و متهم اصلی ماجرای استعمار محسوب می‌شوند. او صراحتاً اشاره می‌کند "من انسان‌شناس نشدم" گویی تعمداً سعی دارد تا نشان دهد از انسان‌شناسی بری می‌جوید. سپس می‌افزاید: زمینه آکادمیک او آموزش و پرورش است. برخلاف این تأکید بر انسان‌شناسی در ادامه همین قسمت اشاره می‌کند که برخی از دانش‌ها مثل انسان‌شناسی به صورت مستقیم و برخی به صورت غیر مستقیم منتهی با تأثیرات مخرب‌تری در استعمار جوامع بومی نقش داشتند. اشاراتی که به تحقیقات محققان نه بسیار صاحب نام در انسان‌شناسی می‌کند نیز اشاره دیگری است که این اثر انتقاد صرف به انسان‌شناسی و آثار انسان‌شناسی که آنها در خدمت به استعمار معرفی کرده است نیست. انسان‌شناسان بسیاری جامعه مائوری را به عنوان میدان مطالعه خود انتخاب کرده‌اند منجمله ریموند فیرث که روی نظام اقتصادی در قبیله مائوری مطالعاتی انجام داده است (نک فیرث، ۱۹۶۴، ۱۹۴۶، ۱۹۳۹ و مارگارت مید، ۱۳۶۵) هر چند در ابتدای کتاب، علم انسان‌شناسی است که بیشتر آماج حمله قرار می‌گیرد اما همچنان که فصول کتاب را پی در پی مرور می‌کنی این نقد نه نقد به انسان‌شناسی که نقد به روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی و ندرتاً پزشکی و غیره است و باز در وهله بعد روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی در مقابل آماج انتقادات او واقع می‌شوند و کمتر علوم فنی و پایه مورد نقد قرار می‌گیرند. این کتاب همانطور که بومی‌ها میدان تحقیق او به واسطه اجزاء تحقیق می‌پردازند و اسازی در عرصه علوم اجتماعی

محسوب می‌شود. آن را نمی‌توان به صورت خاص در حوزه انسان‌شناسی تعریف کرد و یا حتی بیرون از آن. آن کتابی است انتقادی در علوم اجتماعی البته گاهی هم به علوم فنی و پایه نقدهایی وارد می‌کند. این کتاب در مسیری قرار دارد که با سه گانه شرق‌شناسی ادوارد سعید آغاز شده است و با محققانی در هند، پرتغال، استرالیا، نیوزیلند، آفریقا، ایران و کشورهای دیگر ادامه پیدا کرده است.

بارها تحقیقاتی از منظر انسان‌شناسان صاحب نام در مورد جوامع پولینزی، ملانزیایی، تروبرویانداها و دیگر قبائل در آفریقا و استرالیا و اقیانوسیه انجام شده است و دانشجویان مشخصاً انسان‌شناسی نام این جوامع و قبایل را بارها در کلاسهای مرور آثار بزرگان این رشته می‌شنوند. این در حالی بود که نظرات آدمهای این میدان در مورد این تحقیقات در وانفسای صدای انسان‌شناسان بزرگ کمتر مجال دیده شدن، ترجمه و رسیدن به دست خوانندگان در سراسر دنیا را پیدا می‌کنند به عبارتی اصلاً شنیده نمی‌شد. انسان‌شناسان آنها را مقوله‌بندی می‌کردند و براساس آن مقوله‌ها نظریه پردازی خود را ارائه می‌کردند. این کتاب این امکان را فراهم کرد تا این بار از طیف دیگر به صاحبان دانش نگاه شود از زبان زنی که واژه‌هایش را با احساسات آمیخته از غم، حرمان، رنج و تحقیرشدگی در مورد آنها در مورد خودشان و از سوی استعمار بیان می‌کند. اینجا دو بخش مطرح می‌شود؛ نگرش فرد بومی و دیگری نگرش زنانه به مورد تحقیق واقع شدن مائوری توسط غربی‌ها. نگارنده سعی کرده است تا همواره با نگرش بومی با مسئله کتاب مواجه شود و کمتر نگرش زن بودن خود، زنی از اهالی مائوری که شیوه‌های دیگری از شکنجه را تجربه کرده اند بنویسد تنها در جاهایی او به برداشت‌های حیوانی از زنان مائوری و تجربه‌هایشان اشاره می‌کند و گاهی هم نظریات فمینیستی را بیان می‌کند. چون او زنی از مائوری‌ها بود انتظار می‌رفت تا از منظر یک فرد بومی و مهمتر از آن، یک زن بومی مائوری را در جریان تحقیقات سرکوبگر نشان دهد. زنانگی کمتر در این روند دیده شده است اما تاثیر و قلم او همچنان از جنسیت و نگرش مادرانه و زنانه او نشأت گرفته است. متن آکنده از احساساتی است که از زن بودن اسمیت ناشی می‌شود. او سعی نکرده است حتی در یک کتاب علمی که سعی کرده است تا حتی الامکان قواعد نگارش علمی را رعایت کند احساساتش را پنهان کند. کتاب مملو از کلمه ما و ترکیباتی چون زبان ما، فرهنگ ما، تحقیر ما، و .. است.

تحقیقی از این دست که نگارنده خود را با میدان «ما» احساس می‌کند قابل توجه است و کمتر احساس سوء استفاده را ایجاد می‌کند. از آن رو که فاصله بین محقق و موضوع

تحقیقش برداشته شده است. این تجربه ای است که من در مورد یکی از تحقیقات خود داشتم. وقتی این فاصله حذف می شود و محقق با افراد مشارکت کننده در تحقیقش یکی می شوند تحلیل و نگاه به موضوع جنبه انسانی پیدا می کند و این آن چیزی است که انسان-شناسی کمتر به آن پرداخته است و جای آن هست که بار دیگر در هنگام بازگشتن انسان شناس به جامعه خودی به این "ما" توجه شود. محقق در کنار ایجاد یک مای جمعی، سعی کرده تا از نگرش و جهان بینی مائوری نسبت به دانش و خلقت جهان و انسان یاد کند. ذکر این افسانه ها و اسطوره‌های مائوری در راستای تثبیت نگرش مائوریا به تحقیق بوده است. این اشارات، جسته و گریخته و اندک بودند و در ترسیم بومی‌ها و فرهنگ آنها از منظر خودشان موثر است. در خصوص مفهوم بومی و تحقیق در اینجا شائبه‌هایی وجود دارد که لازم است تا به آن پرداخته شود.

کدام "بومی" و کدام "تحقیق" در مورد جوامع بومی مدنظر است. لیندا گزارش مختصری از طوایف و قبایلی نام می‌برد. این نامهای مختصر نشان می‌دهد حتی در جوامع بومی نیز فاصله های خونی، نسبی، اجتماعی و حتی طبقاتی وجود دارد. برای درک بیشتر این بعد بنا به اینکه مترجمان مثال‌هایی از رواج استعمار نو و فرانو در ایران به رغم تفاوت استعمار در ایران و مائوریا، آورده‌اند به مفهوم بومی در ایران اشاره می‌کنم. تنوع قومی، تنوع زبان، تنوع اقتصادی، تنوع مذاهب، تنوع نگرش‌های سیاسی، این نیاز را مطرح می‌سازد تا در تعریف مفهوم بومی و تحقیقات محققان بومی دقت شود. او در این تحقیق، جوامع بومی به حکم مفهوم بومی یکدست انگاشته شده اند و این نوعی زنگ خطر برای تحمیل یک نگرش بر نگرش گروه‌های تحت ستم در این جوامع به وسیله تحقیقات محققان خودی است که نگارنده اشاره ای به راهبردهای آن نکرده است. علاوه بر اینکه مفهوم بومی به صورت کلی بر کل جمعیت متنوع حتی در اقلیتی چون مائوریا در نیوزیلند دلالت می‌کند این مهم نیز قابل ذکر است که نقش بومی‌ها در روند سرکوب جمعیت های بومی چه تاثیری داشته است؟ در مقدمه، مترجمان به نقش استعمار در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در جریان ملی شدن صنعت نفت اشاره می‌کنند اما به واقع استعمار به دست کدام عوامل توانست در این واقعه پیروز شود و جنبش را سرنگون کند؟ پاسخ این پرسش‌ها از پشت پرده‌های سیاست آن روزها و این روزهاست. این همان جوامع بومی است که باب ورود استعمار - کلاسیک، نو و فرانو را به دل سرزمینشان باز می‌کنند.

مفهوم دوم که اتفاقاً انگشت اتهام نگارنده به سوی آن بوده است "تحقیق" است. در بخشی از مقدمه کتاب آمده است که اعتقاد محققان به کاربردی بودن نتایج تحقیقاتشان در راستای خدمت به بشر را علاوه بر اینکه بازتاب نظام آکادمیک است از ایدئولوژی نشات گرفته است (ص ۱۶). ضمن اینکه این جمله در مورد هر کتابی منجمله کتاب خود اسمیت هم می‌تواند صادق باشد لازم به ذکر است نگرش منتقدانه و نو نگارنده به این مفهوم قابل تحسین است. حکم به مذمت و سرزنش تحقیق به طور کلی به دلیل اینکه سوء استفاده‌هایی از تحقیق صورت گرفته است از فرط تعدد محققانی که به جوامع در حال جنگ مثل فلسطین می‌روند همواره وجود دارد (آلن در سعدی و ابولقود، ۱۳۹۷: ۳۹۱). آیا به واقع این تحقیق هست که مذمت کننده است؟ تحقیق و انسان‌شناسی ابزارهایی هستند که همچون چاقو و هر چیز دیگری اعم از علم دینامیک، شیمی، بلایای طبیعی، ریاضی، فلسفه، نور خورشید، کشت زمین. استفاده از آنها منوط به نیت و افکار آدمی است. غارت ثروت‌های ملی هر سرزمینی که در کل تاریخ و نه صرفاً در مورد جوامع بومی بلکه حتی حمله اروپایی‌ها به کشورهای اروپایی‌ها (هجوم آلمان به سایر کشورهای اروپا) چه بدون گسیل کردن محققان از انواع مختلف و چه حالا که عمدتاً اقدامات در برنامه‌های دقیق پژوهشی انجام می‌شود رواج داشته است. عدم اشاره به اختلاف‌نظرها و تنوعات جمعیت بومی و تأکید بر تحقیق و انسان‌شناسی به عنوان ابزارهای استعماری، فرافکنی از آن چیزی است که محقق به ندرت و به صورت جزئی به آن اشاره کرده است و آن کشورگشایی‌ها، تحقیر و خیانت‌های ریز و درشت برخی از بومیان است. در خصوص نقش بومی‌ها در شکل‌گیری استعمار اشارات معدودی شده است (نک. ص ۹۳). تیری ژاردن (۱۳۵۷) ضمن محکوم کردن نگاه به شرق از منظر ذهن غربی و مفاهیم رایج در غرب همچون دموکراسی و مشارکت و از این قبیل، به گرایش‌ها و بیگانه‌سازان سردمداران عرب به استعمارگران در کشورهای عربی اشارات وسیعی کرده است. عدم توجه به این ابعاد در کنار ضد و نقیض‌هایی که در کتاب دیده می‌شود نیز حائز اهمیت است. نگارنده کتاب در خصوص زبان مائوری یا زبان استعمار؟! موضع روشنی اتخاذ نکرده است. او در مقدمه کتاب اشاره می‌کند که "فعالان مائوری دو هدف در سر داشتند یک به رسمت شناختن پیمان وایتانگی و دوم آموزش اجباری زبان ما در مدرسه‌ها" (ص ۳۰) اما در ص ۹۶ همچنین آورده است "اما در بسیاری مواقع از زبان بومی به عنوان ابزار آموزش استفاده کردند و دسترسی به زبان

استعمارگران به طور خاصی غیر ممکن شد این سیاست با این هدف طراحی شد تا فرصت‌های مشارکت شهروندی را از آنان بگیرند."

نقد‌هایی که او به سیاست‌های استعماری اعم از زبان و تحقیق و نگرش به بومی وارد کرده بود برگرفته از ادبیات پست مدرنیستی است که نویسنده هیچ اشاره ای به آنها نکرده است. ادبیات و نظریات پست مدرن بسیار در توجه به صداها و خاموش و وارونه کردن ساختار قدرت تاثیر داشته اند. تنها اشارات کوتاهی به فوکو در بخش‌های اول این مهم را نشان می‌دهد. "دانش و مدرنیته" در غرب به طور کلی از منظر مکتب انتقادی به دلیل استعمار انسان و ایجاد از خودبیگانگی مورد نقد قرار گرفته است.

از نظریات فمینیستی و تا اندازه‌ای پست مدرن و همچنین روش‌شناسی‌های تحقیق در مورد مائوری‌ها به آنها پرداخته شده بود اما مائوری‌ها در هیچ جای کتاب به طور منسجم حضور ندارند. خواننده جسسته و گریخته چیزهایی از لایه لای متن در مورد جداکردن فرزندان مائوری از آنها و گرفتن زمین‌هایشان (ص ۱۰۱) درک می‌کند اما کتابی در مورد استعمارزدایی از روش‌های تحقیق در جوامع مائوری نیویزیلند نیاز دارد تا اندکی در مورد مائوریه‌ها به صورت مستقل و تحقیقات محققان انسان‌شناس که محقق عمیقاً به نقد آنها پرداخته است صورت بگیرد. این تحقیقات اشاره شده است اما همانطور که خود او هم اشاره می‌کند آنها مردم شناس نبودند جوزف بنکس گیاه شناس بود و مابقی آنها ماموران استعماری و نظامی بودند که به صورت نظام مند مشاهدات و تحقیقات خود را به نگارش درآورده اند.

۴. مختصری در باب ترجمه

ترجمه کتاب به صورت روان و دقیق و با فهم دقیق از لایه‌های زیرین معنایی در انسان-شناسی، کتاب را در ادبیات روش در انسان‌شناسی ایران قابل توجه ساخته است. معمولاً عدم آشنایی با مباحث پایه در انسان‌شناسی به صورت خاص و علوم اجتماعی به صورت عام باعث می‌شود که ترجمه آثار تخصصی با اشکالات متعددی در انتقال دانش در زبان تخصصی آن رشته همراه باشد حتی اگر مترجم از متخصصان مطرح در زبان مربوطه باشد که این کتاب از این نقصان در انتقال دانش به زبان تخصصی مبرا بود. به هر روی بهتر این بود که در خصوص ترجمه و مطابقت آن با اصل، به اصل کتاب دسترسی داشته باشم که این امکان مقدور نبود. به همین دلیل اینجا مواردی از قبیل خوانایی در کلیت کتاب که به آن

اشاره شده و مقدمه مترجمان در خصوص کتاب و مواردی که در آن ذکر شده است، سپس مطابقت عنوان کتاب انگلیسی و کتاب ترجمه شده است و در پایان فهم پذیری متن کتاب از نظر ترجمه در ادامه اشاره خواهد شد.

در مقدمه مترجمان انسان‌شناس، آمده است: انسان‌شناسی هنوز هم در نقش ابزارهای استعمار ایفاء نقش می‌کند. تا اندازه‌ای انتخاب این اثر و ترجمه، بیانگر موضع و خدمت آنها در مبارزه با استعمار است همچنین خدماتی که انسان‌شناسی اکنون در دنیا در قالب انسان‌شناسی کاربردی و شهری و از این دست می‌کنند قابل ملاحظه است. در ادامه این مقدمه نکته دیگری وجود داشت و آن نقد طنزآمیز (ص ۱۴) مترجمان به اسمیت است، اسمیت به دلیل نگارش متن به زبان انگلیسی به مثابه «زبان استعمار» محکوم شده بود، این در حالی است که متعاقباً می‌توان مترجمان کتاب را به دلیل انتخاب کتابی از زبان انگلیسی و ترجمه آن نقد کرد. چه بسا طنز تلخ محققان در حوزه مبارزه با استعمار در اینجاست که این زبان بین‌المللی توانسته امکانی فراهم کند که یک محقق از زبان فارسی بتواند آراء و نظرات محققانی از زبان مائوری، پرتغالی، هندی و آفریقایی را بخواند و با آن نظرات همدلانه به بحث بنشیند. اینکه انسان‌شناسی و زبان با این استدلال که استعماری هستند رانده شوند راهکار مناسب برای مقابله با استعمار نیست می‌توان با زبان استعمار به نقد ابعاد مختلف آن منجمله روش و روش‌شناسی پرداخت.

در اینجا لازم است به تفاوت و تمایزی که اسمیت بین این دو مفهوم در عنوان کتابش قائل شده است نیز اشاره شود. عنوان اصلی این کتاب از این قرار بوده است روش‌شناسی-های استعمارزدا شده؛ تحقیق و مردمان بومی^۴. این با توجه به تعاریفی که لیندا توهیوای از روش‌شناسی و روش مکرر در داخل متن کتاب ارائه می‌کند قابل فهم است. در داخل کتاب روش‌شناسی عمدتاً رویکردهای نظری و روش ابزار گردآوری اطلاعات (ص ۱۹۰) است. «روش‌شناسی اهمیت دارد، زیرا چارچوب پرسش‌هایی را که مطرح شده‌اند مشخص می‌کند، مجموع ابزارها و روش‌هایی را که باید به کار گرفته شوند تعیین می‌کند و تحلیل‌ها را شکل می‌دهد» (همان). به همین دلیل روش‌شناسی در رویکردهای استعماری نقش بیشتری دارد بنابراین این مفهوم می‌تواند صفت استعماری یا استعمارزدا را بیش از واژه روش پذیرا باشد. بدین ترتیب ترجمه عنوان در روی جلد کتاب تا اندازه‌ای در گم شدن محتوای معنایی کتاب و منظور نویسنده موثر است. همچنین حذف قسمت فرعی عنوان کتاب از روی جلد انگلیسی در ترجمه فارسی و بسنده کردن به نوشتن آن در داخل کتاب

از موارد دیگری است که به نظر می‌رسد اگر به آنچه، نویسنده در عنوان کتاب و طرح صورت کامل آن روی جلد مدنظر داشته است وفادار ماند به طور یقین در بیان فحوای مدنظر نویسنده در کتاب مطلوب‌تر است.

از قسمت‌ها مواردی وجود دارد که به نظر می‌رسد از عدم توجه در نشر کتاب حاصل شده باشد. یکی از آنها ناهماهنگی توضیحات در مورد جداول که در داخل متن با عنوان نمودار درج شده است و جداول درج شده است. به عنوان مثال نک به توضیح نمودار ۱-۶ و جدول ناقصی که در رابطه با این نمودار آمده است (ص ۱۵۸). در کنار آن موارد معدودی چون عدم ذکر ترجمه آکادمیک (ص ۲۸) و همچنین پروژه‌ها (ص ۱۱۰) نیز در متن دیده می‌شود که اگر از معادل فارسی آن، دانشگاهی و طرح استفاده شود بهتر است.

۵. ارزیابی ساختاری و ویرایشی

استعمارزدایی از روش، از نقد غرب و نگرش محققان غربی به مائوری‌ها آغاز می‌شود و به نویدهایی در خصوص امکان تحقیق توسط مائوری‌ها روی مائوری‌ها ختم می‌شود. حلقه‌های این زنجیره به خوبی در یک ساختار منسجم جای گرفته‌اند. این ساختار در دو قسمت عمده جای گرفته است که نگارنده نه در فهرست و نه در داخل متن مقدمه به آن اشاره نمی‌کند. تنها در بخش ششم همزمان با خواندن کتاب متوجه می‌شویم که وارد قسمت دوم شده‌ایم. در قسمت دوم به رغم اینکه سعی کرده است تا اشاراتی به آنچه که اکنون در باب تحقیق در جامعه مائوری در جریان است بپردازد اما به ذکر دستورالعمل‌ها و نظرات کلی در این میان محدود شده است و اشاره به جزئیات برنامه‌ها که معمولاً از کلیت برنامه در جوامع بومی مهمتر هستند در آن عقیم مانده است. کار در جوامع بومی بخصوص با تجربه و پیشینه‌ای که آنها در خصوص تحقیق دارند و همچنین وجود مسائل و مشکلات عدیده در زندگی شخصی آنها، دشوار است، طرح جزئیات بیشتر در این زمینه می‌تواند در غنای این بخش موثر باشد.

ویراستاری دقیق مگر در مواردی به ندرت اشتباه تاپی از زمره نقاط قوت و مثبت کتاب است. یکی از آن موارد در صفحه ۹۲ در تاپ «آن» (It) است که با حرفی انگلیسی آمده است که نامفهوم به نظر می‌آید و از اشکالات تاپی باشد و مورد دیگر عدم رعایت نیم فاصله در کلمه امیدوار ام (ص ۲۱۲) است. فونت ریز کتاب و همچنین قطع وزیری باعث شده است تا حجم کتاب چندان قابل توجه نباشد و علاقه مندان به خواندن کتاب در

مسیرهای پرتراфик شهری آن را قابل حمل ببینند و بخوانند. یکی دیگر از حسن‌های کتاب که جدا کردن پاورقی‌ها و تعبیه آن در انتهای کتاب در قالب پاورقی‌ها هر فصل به صورت مجزا است. این مهم در انسجام ذهنی خواننده نقش مثبتی ایفاء می‌کند.

تنها چیزی که در نسخه مطالعه شده، روی هم افتادگی چندین صفحه در یک صفحه و وارفتگی جوهر هنگام چاپ هشت صفحه از ۲۵ صفحه که به بخش اول اختصاص داده شده است آن را از حیز توجه خواننده خارج کرده است. این بخش به عبارتی طرح کلی و طرح مسئله کتاب محسوب می‌شد. سوالات مهمی اهمیت نگارش و تاریخ برای بومیان از جمله قسمتهای مهمی بودند که در این نقصان چاپ از دست رفته‌اند.

کتاب در دنیای غرب در دو نسخه به چاپ رسیده است و طرح جلد هر کدام از آنها معناداری خاص خود را در رابطه با عنوان کتاب و محتوای آن داشته است. در چاپ اول تصویر دو زن دیده می‌شود. عنوان کتاب در خط میانی جلد قرار گرفته است و تصویر زن مائوری در پس زمینه سفید در بالا و تصویر زن آفریقایی با بافت مو خاص زنان آفریقایی و عینک آفتابی در پس زمینه خاکستری در پایین عنوان صفحه جلد قرار گرفته است. در چاپ دوم، اما تصاویر این زنان جای خود را به یک جای پا با آبله‌هایی زردرنگ در زمینه سیاه و بنفش رنگ است. در نسخه ترجمه شده در ایران، اما جای همه این زنان و رد پاهای آبله زده، طناب پیچی است که با طنابهای تیره رنگ که سر نخ آن مشخص است طراحی شده است. همچنین

۶. تأملی در نگاه به خود و دیگری؛ غرب‌شناسی و شرق‌شناسی

حقیقت گزنده‌ای که در متون ضداستعماری دیده می‌شود ساختن "دیگری" از خود ما^۹ توسط خود ماست، "دیگری" به مثابه موجودی که ناشناخته است و باید آنرا شناخت. به ضرس قاطع می‌توان گفت این اتفاق همانا تداوم روند تحقیر شدگی توسط استعمار است. این روند را می‌توان استعمار فرافرانو نامید. اینکه تا چه زمانی این روند ادامه دارد به واقع پاسخی است که نیاز است اندیشمندان حوزه ضد استعمار به آن توجه کنند. توجه به "دیگری"، نوع اندیشیدن آنها، فهم و درک استراتژی‌هایشان، زبان آنها، شیوه‌های نگرش و جهان‌بینی آنها به ندرت افتاده است. توجه به "دیگری" غرب که همواره به مثابه "دیگری" در ما نگریسته است و زیر ذره بین‌های علوم از جمجمه تا چیزهای نادیدنی و نامرئی ما را بررسی کرده است سخت تر از دیدن خود به مثابه "خود دیگری شده" است. قدرت تحقیر

استعمار آنقدر زیاد است که نه او اجازه فهم خودش را به ملت‌های مستعمره شده می‌دهد و نه ملت‌های مستعمره شده می‌توانند از این "خود تحقیر شده" عبور کنند و به این "دیگری" که بر سر آنها قد علم کرده است پردازند. (شایگان، ۱۳۷۸)

تحقیقات انجام شده در قالب کتاب‌های بسیار معدود در مورد غرب توسط جامعه ایرانی در این زمینه حتی به تعداد انگشتان دست نیز نمی‌رسد، منظور تحقیقاتی است که توانسته باشد از نگرش منفی‌بافی و منفی‌نگری در مورد غرب (نک. نراقی، ۱۳۵۴) دست بردارد. و به زندگی معمول و روزمره در نظام شادی، غم، بازی، غذا، مدرسه، کلیسا، مذهب، دانشگاه و ... که می‌توان آن را در قالب «غرب شناسی» (Occidentalism) تعریف کرد. مجموعه‌ای ۶ جلدی از انتشارات سروش زیر نام "غرب‌شناسی" منتشر شده است که می‌توانست برای شناخت عمیق غرب نوید بخش باشد که اینگونه نشد؛ این ۶ جلد ترجمه از آثار انگلیسی و نوشته شده توسط محققان خارجی بوده و مترجمان آن را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده‌اند و دیگر اینکه مجدداً آنها نیز نقد استعمارگری است (نک. بلاوت، ۱۳۹۲؛ کاپشاگ، ۱۳۹۲؛ کسپلینگ، ۱۳۹۲؛ پنیچ و کالینز، ۱۳۹۲؛ وآرودل، ۱۳۹۲ و مارک، ۱۳۹۲) نه شناساندن غرب به جامعه ایرانی. بدین ترتیب آثاری که به قلم شرقی‌ها و از زاویه نگاه آنها، به آنچه در بطن و لایه‌های زیرین ذهن یک غربی فارغ از غرب ستیزی رخ می‌دهد دست یابد و آن را نظریه مند سازد بسیار اندک است (برای این نمونه‌ها نک. فروغی، ۱۳ داورى اردکانی، ۱۳۷۹، شایگان، ۱۳۹۴ و تا اندازه‌ای فاضلی: ۱۳۹۳) مردم-نگاری و نگرش مردمنگارانۀ شرقی‌ها از غرب در شناساندن غرب مبتنی بر نگرش شرقی نقش مهمی دارد. شرق نیازمند تولید آثاری در مورد غرب از زاویه نگاه خود بدون هیچ پیشداوری و قضاوت‌های از پیش تعیین کننده در روند تحقیق است. «شناخت ما از غرب شناخت ابژکتیو و از آن ما نیست، ما از غرب خبرهایی داریم ما پژوهشی در باب علوم، فرهنگ و ادب و اعتقادات آنها نکرده‌ایم و به آن از منظر ابژکتیو نگاه نکرده‌ایم» (اردکانی، ۱-۳: ۱۳۷۹). در آنصورت خواندن داستان‌ها و گزارشات غرب از منظر یک مائوری که در نمایش آن جهان بینی متفاوت و غیر قابل فهم در از منظر غربی در تفسیر و تحلیل دخیل خواهد بود قابل تأمل خواهد بود.

۷. سخن آخر

در نگرش خوشبینانه می‌توان پنداشت که بررسی این روند یعنی درک و فهم خودمان از منظر خودی‌ها به وسیله محققانی چون لیندا توهیوای اسمیت، ادوارد سعید و سایرین به دنبال تحقیقات تحقیرکننده "دیگری" درباره ما، مقدمه‌ای برای توجه ما به "دیگری" استعمار باشد. اما اینکه این زمان چقدر طول خواهد کشید تا اندیشمندان کشورهای در حال توسعه به آن دست یابند نامعلوم است. چه بسا نقدهای روشنفکران غربی از غرب در این زمینه کمک کننده باشد و آنها همچنان که در تحقیر مائورهای، افریقایی‌ها، هندی‌ها و .. مقدم بودند در به نقد کشیدن خودشان نیز اصلح تر بنمایند. نقدهای فوکو از این دست نقدها است، با اینحال نگرش و فهم شرقی در مورد غرب چیست؟ آنها چگونه غرب را تجزیه و تحلیل می‌کنند؟ بسیار اندک اتفاق افتاده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مائوری‌ها قومی از تبار پلی‌نزی هستند. پلی‌نزی یک گروه هزار جزیره در یک قالب مثلثی شکل است که به سه بخش ملانزی در غرب، پلی‌نزی در شرق و میکرونزی تقسیم شده است. مردم شناسان بسیاری در این جزایر مشغول مطالعه و تفحص بوده‌اند و این روند همچنان ادامه دارد.
2. Building of Research Agenda for Indigenous Epistemologies and Education"
۳. ژانت ابولوگود (J. Abulughod) مادر لیلا ابولوگود از انسان‌شناسان مطرح مسلمان است.
4. Decolonizing Methodologies: Research and Indigenous Peoples
۵. ما به عنوان شرقی‌ها در برابر دیگری به عنوان غربی‌ها

کتاب‌نامه

- آرودل، جنین (۱۳۹۲) *نخبگان سایه* (جلد چهارم از مجموعه غرب شناسی)، ترجمه حسین علیزاده، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.
- آلن دایانا (۱۳۹۷) «سیاست شاهد، به خاطر آوردن و به فراموشی سپردن ۱۹۸۴ در اردوگاه شتیتلا»، در کتاب *نکبت؛ فلسطین، سال ۱۹۴۸ و دعاوی حافظه* (تدوین و تالیف احمد سعدی و لیلا ابوالقود)، ترجمه احمد نادری و محسن منجی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ اول.

واقعیت‌های سیاسی تحقیق در علوم اجتماعی با تمرکز بر کتاب ... ۲۳۹

بلاوت، جیمز موریس (۱۳۹۲) *غرب چگونه غرب شد* (جلد دوم از مجموعه غرب شناسی در انتشارات سروش). ترجمه مرتضی مداحی، تهران: انتشارات سروش.

توهیوای اسمیت، لیندا (۱۳۹۳) *استعمارزدایی از روش؛ تحقیق علمی و مردمان بومی*، ترجمه احمد نادری و الهام اکبری، نشر مترجمان، چاپ اول.

پینچ، ترو و کالینز، هری (۱۳۹۲) *تکنولوژی رها* (جلد اول از مجموعه غرب شناسی در انتشارات سروش)، ترجمه زهرا زنگنه مدار، عمار میرزایی و مصطفی تقوی، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.

شایگان، داریوش (۱۳۷۸) *آسیا در برابر غرب*، انتشارات امیرکبیر. چاپ سوم (چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۷۸ بوده است).

دژاردن، تیری (۱۳۵۷) *صد میلیون عرب*، ترجمه حسین مهری، تهران: انتشارات توس، چاپ دوم.

داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۹) *درباره غرب*، تهران: انتشارات هرمس، چاپ اول.

کرتیس، مارک (۱۳۹۲) *شبکه فریب: نگاهی به نقش انگلستان در دنیا* (جلد سوم از مجموعه غرب شناسی) ترجمه علی فتحعلی آشتیانی، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.

کیلسلینگ، جان بردی (۱۳۹۲) *درس‌های دیپلماسی* (جلد پنجم از مجموعه غرب شناسی)، ترجمه غدیر نبی زاده، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.

گاتشاک، پیتر (۱۳۹۲) *اسلام هراسی* (جلد ششم از مجموعه غرب شناسی)، ترجمه حسین علیزاده، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.

فاضلی، نعمت الله (۱۳۹۰) *مردم‌نگاری سفر*، نشر آینه، چاپ اول.

فروغی، محمدعلی (۱۳۴۴) *سیر حکمت در اروپا* (جلد اول و دوم و سوم)، انتشارات کتابفروشی زوار.

نراقی، احسان (۱۳۵۴) *غربت غرب*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.

مید، مارگات (۱۳۶۹) *بلوغ در ساموآ*، ترجمه مهین میلانی، تهران: نشر ویس، چاپ اول.

Firth, Raymond (۱۹۳۹) *Primitive Polynesian Economy*, London: Routledge & Keagan Pual.

Firth, Raymond (1946). *Malay Fishmen: Their Peasant Economy*, London: Routledge & Keagan Pual.

Firth, Raymond & Basil S, Yamey (1964). *Capital, Saving and Credit in Peasant Societies*, Chicago; Aldine.

Denzin, Norman K; Lincoln, Yvonna S; Smith, Linda Tuhiwai (2012). *Handbook of Critical and Indigenous Methodologies* (2nd Ed.) London; Zed books.

Smith, Linda Tuhiwai (۲۰۰۵) "Building of Research Agenda for Indigenous Epistemologies and Education", *Anthropology and Education Quarterly*, 36(1): pp93-95.